

دعای ۱۵۷ - درخواست یاری و دفاع از شر دشمنان

مردم به حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام نگاه کردند که به قبر پناه برده بود، و دعا می کرد، پس او را بردند نزد مسرف لعنه الله که بر او خشم گرفته، و از او و پدرانش بیزاری جسته بود. هنگامی که آن حضرت را دید که به طرفش می آید، به لرزه افتاد و برایش به پا خاست. و او را در کنار خود نشاند و به او گفت: حاجت هایت را از من بخواه و آن حضرت از او طلب نکرد در مورد کسانی که برای کشتن می بردند مگر اینکه شفاعت حضرت را در مورد آنها پذیرفت. سپس از نزد وی رفت.

به حضرت علی بن الحسین علیه السلام گفته شد، شما را دیدیم که لب هایت را حرکت می دادی، چه چیزی را گفتی؟ حضرت فرمود: گفتم:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلْنَ، وَالْأَرْضِينَ
السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلْنَ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّ مُحَمَّدٍ
وَالِهِ الطَّاهِرِينَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَأَدْرَأُ بِكَ فِي
فَخْرِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤْتِيَنِي خَيْرَهُ وَتَكْفِيَنِي شَرَّهُ.

خداوندا ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و هر چه در سایه
افکنده‌اند، و زمین‌های هفتگانه و هر چه بر خود دارند، ای
پروردگار عرش عظیم، پروردگار محمد و خاندان پاکش، به تو
پناه می‌برم از شرش، و دفع می‌کنم به تو در گردنش، از تو
می‌خواهم که خیرش را به من بدهی، و شرش را کفایت
کنی.

و به مسلم گفته شد که دیدیم این جوان و گذشتگانش
را ناسزا می‌گفتی، ولی هنگامی که او را نزد تو آوردند،
منزلتش را بالا بردی! گفت: آن امر به اختیارم نبود، قلب
من از وی پراز هراس گردید.